

اقتصاد و توسعه

واقعیت‌های آشکار شده

تصنیف:

دکتر علی باقرزاده

دانشیار اقتصاد توسعه

آراء کتاب

سرشناسه	باقرزاده، علی، ۱۳۵۸
عنوان و پدیدآور	اقتصاد و توسعه، واقعیات‌های آشکار شده/تصنیف: علی باقرزاده.
مشخصات نشر	تهران، آراد کتاب،
مشخصات ظاهری	۲۳۶ ص،
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۷۱۱-۸
یادداشت	به انگلیسی Ali Bagherzadeh. Economics and development (empirical and stylized facts)
موضوع	رشد اقتصادی
موضوع	درآمد - توزیع
موضوع	سیاست اقتصادی
رده بندی کنگره	HD ۸۵/ف۲
رده بندی دیویی	۳۳۸/۹
شماره کتابخانه ملی	۱۰۰۲۲۹۴۲

اقتصاد و توسعه

واقعیات‌های آشکار شده

تصنیف: دکتر علی باقرزاده	ناشر: آراد کتاب
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴	تیراژ: ۲۰۰ جلد
چاپ و صحافی: صدف	قیمت: ۲۲۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۷۱۱-۸	

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای انتشارات آراد کتاب محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مرکز پخش و فروش:

انتشارات آراد کتاب تلفن: ۶۶۹۷۵۲۸۵ - ۶۶۴۸۲۲۲۶ - ۰۹۳۵۳۰۶۲۴۵۸

خرید آنلاین از سایت: www.aradbook.com

پیشگفتار

مطالعه درباره توسعه یکی از جدیدترین و چالشی‌ترین مسائل علم اقتصاد در دنیایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. شاید بتوان گفت آدام اسمیت اولین اقتصاددانی بوده است که درباره توسعه از دید علم اقتصاد سخن گفته است. واقعیت این است که توسعه به مفهوم جدید آن، بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. این مفهوم به دلیل نیاز به بازسازی ویرانی‌های بعد از جنگ و آگاهی خیلی از کشورهای جهان سوم از عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی خود، به شکل جدی در جامعه جهانی مورد استقبال قرار گرفت. لوئیس و چنری از اقتصاددانان برجسته، توسعه را به مثابه مجموعه تغییرات مرتبط به هم در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی که جهت رشد مداوم لازم است، تعریف می‌کنند. از نگاه آنان، «رشد اقتصادی» هدف توسعه است. به شرطی که اصلاحات در ساختارها برای تداوم رشد اقتصادی وجود داشته باشد. ولیکن اندیشمندانی همانند میر، سیرز و باتاچاریا معتقد هستند که توسعه علاوه بر رشد اقتصادی بایستی شامل مفاهیمی چون رفاه، فرصت‌های شغلی مناسب، کاهش نابرابری، اختراعات و ابداعات و نظایر این‌ها باشد. لذا توسعه اقتصادی را باید فراگردی دانست که در آن «درآمد سرانه حقیقی» کشورها در یک دوره زمانی بلندمدت افزایش می‌یابد به شرطی که بر تعداد انسان‌های زیر خط فقر اضافه نشده باشد. کشورها برای رسیدن به این هدف، نیازمند فرهنگ مناسب، آموزش، تشکیل سرمایه فیزیکی و حکمرانی مطلوب هستند. در هر صورت، توسعه جریانی است که پایانی برای آن نیست. بدیهی است که این جریان باید از یک روند تکاملی برخوردار باشد. بدین معنی که هر مرحله آن، بعد از مرحله قبل اتفاق افتاده باشد.

به هر ترتیب، توسعه اقتصادی از سال ۱۹۴۵ تا حال حاضر چند مرحله حیاتی را از نظر مفهوم، ماهیت و کارکرد پشت سر گذاشته است. در سال‌های دهه ۱۹۵۰، اقتصاددانان بزرگی همانند رودان، میردال و لوئیس تلاش کردند تا تفکر توسعه را از ارتباط آن با «سازمان‌های بین‌المللی» تا حدودی

جدا نمایند. در این دوره، ایده اصلی آن است که توسعه مرحله‌ای دارد و توسعه اقتصادی چیزی جز رشد اقتصادی نیست. لذا کشورها نیازمند سرمایه هستند تا بتوانند رشد اقتصادی ایجاد کنند. این رشد اقتصادی به حمایت صاحبان ثروت نیاز دارد و فقیران هم باید منتظر سرریز رشد ایجاد شده از ناحیه این سرمایه‌گذاری باشند. لیکن در آغاز دهه ۱۹۷۰، معلوم شد که این تئوری باعث بدتر شدن «توزیع درآمد» در اکثر کشورهای جهان شده است. به همین جهت نگرش‌ها به سمت «روش نیازهای اساسی» چرخید. دادلی سیرز و الحق از جمله کسانی بودند که تلاش کردند نشان دهند که قبل از فکر کردن به «تولید ناخالص داخلی»، ابتدا باید در تفکر مهار «فقر» بود. در این دوره، الگوهایی نظیر «وابستگی کشورهای جهان سوم به اقتصادهای توسعه یافته» و نظریه «دوگانگی توسعه» توانستند هر کدام تا حدودی، علل توسعه نیافتگی کشورهای فقیر را تشریح کنند. با این حال در دهه ۱۹۸۰، الگوی «انقلاب متقابل نئوکلاسیک‌ها» در ادبیات توسعه متداول گردید. مطابق با این ایده، برنامه‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی توسط «بانک جهانی» و «صندوق بین‌المللی پول» به کشورهای گوناگون القا شد. طبق این برنامه‌ها؛ کشورها به منظور دریافت کمک‌های بانک جهانی و IMF، به یک سری اصلاحاتی نیاز داشتند. آزادسازی تجارت، گسترش پایه‌های مالیاتی، انطباق قیمت‌های داخلی با قیمت‌های جهانی از جمله این تغییرات در اقتصادهای رو به توسعه بود. اما بسیاری از اصلاحات خواسته شده از سوی سازمان‌های یاد شده، در عمل نتوانست به جایی برسد. در نتیجه ادبیات توسعه در دهه ۱۹۹۰، از الگوی رشد نئوکلاسیک‌ها فاصله گرفت و «نظریه رشد جدید» که توسط رومر در سال ۱۹۸۶ مطرح شده بود، را مورد توجه قرار داد. در این نظریه، از فرایندی صحبت می‌شود که رشد اقتصادی را با تغییرات درون‌زای فناوری تبیین می‌کند. نظریه‌ای که در آن به «دولت» در کنار سایر عامل‌های موثر بر رشد و توسعه، اهمیت زیادی داده می‌شود. در این دیدگاه، رفتارهای سرمایه‌گذاری فقط از دریچه «سرمایه فیزیکی» دیده نمی‌شود، بلکه متغیرهایی نظیر تحقیق و توسعه (R&D)، فاوا (ICT) و نیروی کار موثر (ILF) در آن با دقت لحاظ می‌شود. در حال حاضر، هر ساله گزارشی از سوی سازمان ملل متحد با عنوان «گزارش توسعه انسانی» منتشر می‌شود

که در آن به رتبه‌بندی کشورها از لحاظ شاخص توسعه انسانی (HDI) پرداخته می‌شود. به طوری که دانایی، عمر طولانی، سلامت و دسترسی به منابع مورد نیاز برای یک زندگی خوب از مفاهیم اصلی این شاخص است. با تمام این تفاسیر، امروزه گفته می‌شود کشوری از فراگرد توسعه سهم می‌برد که در گام نخست، مردم، دولت و در یک کلمه «حکمرانی مطلوب» در آن، باور عمیق به توسعه داشته باشد. در حقیقت آن‌ها باید به دنبال «رفتار توسعه محور» باشند. اقتصاد خود را همواره رشد دهند و در تکاپو باشند تا فقر و نابرابری درآمدهای روندی کاهشی داشته باشد. با این اوصاف می‌توان اذعان کرد که توسعه چیزی جز «اعتماد به نفس»، «رهایی از نیاز»، «داشتن استقلال» و «آگاهانه زیستن» نیست.

در این کتاب، در فصل اول بعد از شناخت مفاهیم و مشخصه‌های توسعه، به تحلیل نظریه‌های اساسی توسعه پرداخته می‌شود. بررسی استراتژی‌های نظری و عملی توسعه در کشورهای مختلف بخش بعدی این فصل را به خود اختصاص داده است. در فصل دوم، بخش کمی توسعه، یعنی رشد اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نظریه‌های رشد اقتصادی از زمان سوداگران تا حال حاضر در این فصل با دقت به بحث گذاشته شده است. مهم‌ترین الگوهای مطرح شده در این قسمت، شامل مدل رشد کلاسیک‌ها، الگوی رشد هارود و دومار، الگوی رشد نئوکلاسیک‌ها و الگوهای رشد درون‌زا می‌باشد. در فصل دوم علاوه بر شناخت ساختار الگوهای رشد، به تحلیل نکات قوت و ضعف هر کدام از آن‌ها در کنار شواهد تجربی پرداخته شده است. در فصل بعدی کتاب، یعنی فصل سوم به اهمیت بازارهای مالی در رشد و توسعه اقتصادی اشاره کردیم. در دهه‌های اخیر جایگاه نهادهای مالی در رسیدن به اهداف توسعه بر هیچ کس پوشیده نیست. اقتصاددانانی چون شومپتر، نهادهای مالی را برجسته می‌شمردند. از نگاه آنان، هر دوره پر رونق اقتصادی بر پایه دیون شکل می‌گیرد. علاوه بر این واسطه‌های مالی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری را ارزیابی می‌کنند، منابع لازم جهت تأمین مالی طرح‌های خوش آتیه را فراهم می‌کنند و مدیریت ریسک را تسهیل می‌نمایند. افزون بر این، فصل حاضر نشان می‌دهد که رشد و توسعه اقتصادی تحت تأثیر توسعه مالی قرار دارد.

فصل چهارم کتاب، به ارزیابی مسأله توزیع درآمدها و اهمیت آن در فراگرد توسعه می‌پردازد. در این فصل، بعد از بیان شاخص‌های نابرابری درآمدی و معیارهای انتخاب آن‌ها، با استفاده از تئوری‌های خطی بنرجی و U وارون گرین‌وود به تبیین رابطه بین مالیه، توزیع درآمد و توسعه اقتصادی پرداخته شده است. در انتهای فصل نیز با بیان شواهدی از الگوهای اقتصادسنجی، رابطه منفی بین توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران به تصویر کشیده شده است. فصل پنجم کتاب نگاهی به مفهوم آموزش و اهمیت آن در توسعه دارد. در این راستا، کتاب ابتدا ضمن سیری در نظریات اقتصاددانان مختلف درباره آموزش، به تبیین کارکرد آن در کنترل نابرابری و نیز افزایش بهره‌وری می‌پردازد. در انتهای فصل، گریزی به وضعیت آموزش در کشورهای در حال توسعه زده می‌شود و در نهایت با استفاده از شواهد اقتصادسنجی به تحلیل رابطه بین مخارج آموزش با بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب در حال توسعه پرداخته می‌شود. فصل ششم این اثر به گفتگو درباره دانش، فناوری و اهمیت آن در توسعه اقتصادی می‌پردازد. در این فصل ضمن بررسی ماهیت اقتصاد دانش، ویژگی‌های فناوری‌های سنتی و نوین بررسی شده است. استفاده از فناوری‌های نوین همانند فاوا، طبق دیدگاه پاجولا، سبب ارتقای رشد اقتصادی می‌شود. گاهی وقت‌ها؛ کشورهای در حال توسعه به منظور پوشش نیازمندی‌های خود در بحث فناوری، محتاج «انتقال فناوری» هستند. این مسأله در قالب مراحل نظیر انتخاب، جذب، انطباق و بکارگیری تکنولوژی اتفاق می‌افتد. معذک در انتهای فصل ششم، رابطه بین رشد و توسعه اقتصادی با متغیرهای ضریب نفوذ اینترنت و مخارج فاوا در شماری از کشورهای در حال توسعه مورد کنکاش قرار گرفته است. بالاخره فصل هفتم، به دولت و سیاست‌های آن یعنی سیاست‌های مالی و پولی و رابطه‌اش با توسعه اقتصادی اختصاص یافته است. مفاهیم مرتبط با سیاست‌های مالی، درآمدها، مخارج و بودجه، بحث بعدی این فصل است. شیوه اثرگذاری سیاست‌های پولی بر توسعه از موارد دیگری است که در ادامه فصل مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. و دست آخر یافته‌های اقتصادسنجی فصل هفتم نشان می‌دهد که همواره

يك رابطه معنی‌دار مابین مخارج دولت، عرضه پول، نرخ ارز با اندازه رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای رو به توسعه شبیه ایران وجود دارد.

مع‌الوصف، گرچه بخش مهمی از این کتاب، ماحصل مقالات و آثار اینجانب در حوزه اقتصاد و توسعه اقتصادی است. اما در نگارش آن، آثار علمی سایر محققان و اساتید فن بسیار رهگشا بوده است. بدون شک این اثر نیز همانند دیگر نوشته‌ها دارای نواقص و کمبودهایی است. امیدوارم خوانندگان محترم بر بنده منت نهاده و این کاستی‌ها را اطلاع دهند، تا در ارائه بهتر آن در آینده به شرط حیات، موثرأفتد. آرزو می‌کنم این مجموعه ناقابل، مورد استفاده دانشجویان رشته‌های اقتصاد، مدیریت و حسابداری واقع شده باشد. در پایان لازم می‌دانم از زحمات آقای رضایی و همکاران محترم ایشان در انتشارات آراد صمیمانه قدردانی نمایم.

دکتر علی باقرزاده

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

اسفند ۱۴۰۳